

راهبرد روسیه در قبال آینده غزه

بازتعریف موازنه قدرت در پرتو طرح صلح ترامپ



نویسنده:

عارف بیژن



اندیشکده سیاست‌های راهبردی اقتصاد و مدیریت

اللَّهُمَّ احْمِمْ بَيْنَ

عنوان:	راهبرد روسیه در قبال آینده غزه - بازتعریف موازنه قدرت در پرتو طرح صلح ترامپ
نویسنده:	عارف بیژن
ناظر علمی:	نادیا ملانسب
دپارتمان:	مطالعات بین‌المللی
تاریخ انتشار:	مهر ۱۴۰۴

فهرست

مقدمه	۱
پیشینه سیاست روسیه در قبال مسئله رژیم صهیونیستی و فلسطین	۲
طرح صلح ترامپ برای غزه	۶
فرصت‌ها و چالش‌های طرح ترامپ برای روسیه	۹
موضع رسمی روسیه نسبت به طرح ترامپ	۱۱
ابزارها و ظرفیت‌های روسیه برای نفوذ در غزه	۱۳
ابزارهای نظامی و امنیتی: از تجربه سوریه تا گزینه‌های نظارتی در غزه	۱۳
ابزار اقتصادی و پروژه‌های بازسازی: اهرم ژئواکونومیک در برابر دام بدهی و شفافیت	۱۴
ابزار دیپلماتیک و ساختارهای چندجانبه: میانجی‌گری حساب‌شده در برابر انحصار واشینگتن	۱۴
ابزار نرم‌افزاری، رسانه‌ای و اطلاعاتی: روایت‌سازی همزمان با عملیات اطلاعاتی هدفمند	۱۵
پیامدهای هم‌افزایی و ملاحظات ناظران بین‌المللی	۱۵
تلاقی منافع تهران و مسکو در غزه: از همکاری تاکتیکی تا رقابت راهبردی	۱۶
جمع‌بندی	۱۸

فهرست جداول

- جدول ۱. سیاست شوروی و روسیه در قبال رژیم صهیونیستی و فلسطین (۱۹۴۵-۲۰۲۵) ۵
- جدول ۲. فرصت‌ها و چالش‌ها برای روسیه ۱۰
- جدول ۳: مقایسه ابزار و پیامدها ۱۶

مقدمه

تحولات غزه در سال‌های اخیر به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا بدل شده است. جنگ ۲۰۲۳ میان رژیم صهیونیستی و حماس، نه تنها باعث تشدید بحران انسانی در نوار غزه شد، بلکه به موضوعی بین‌المللی تبدیل گردید که ایالات متحده، روسیه، اتحادیه اروپا و قدرت‌های منطقه‌ای را درگیر خود ساخت. در این چارچوب، طرح ۲۰ ماده‌ای دونالد ترامپ که در سپتامبر ۲۰۲۵ ارائه شد، نقطه عطفی در تلاش‌های ایالات متحده برای بازتعریف نظم امنیتی و سیاسی غزه پس از جنگ به شمار می‌آید. این طرح دربردارنده ابعاد مختلفی همچون آتش‌بس، ترتیبات امنیتی، بازسازی و سازوکارهای حکمرانی است که پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی برای آینده نظم منطقه‌ای و نقش بازیگران بین‌المللی دارد. به طور مشخص، طرح ترامپ بر ۵ محور کلیدی استوار است: ۱. آتش‌بس فوری و پایدار برای پایان دادن به درگیری‌ها؛ ۲. خلع سلاح کامل حماس و سایر گروه‌های مسلح در غزه؛ ۳. ایجاد یک نهاد انتقالی چندملیتی برای اداره غزه؛ متشکل از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی؛ ۴. تبادل زندانیان و گروگان‌ها تحت نظارت یک کمیسیون ویژه؛ ۵. بازسازی و توسعه اقتصادی غزه با سرمایه‌گذاری قدرت‌های غربی و عربی.^۱ با وجود این، واکنش‌ها به این طرح بسیار متنوع بوده است. دولت رژیم صهیونیستی استقبال محتاطانه‌ای نشان داد و آن را گامی به سمت تأمین امنیت خود ارزیابی کرد. در مقابل، حماس و برخی گروه‌های فلسطینی این طرح را به مثابه تلاشی برای حذف سیاسی و نظامی خود دانستند و آن را رد کردند. کشورهای عربی نیز موضعی دوگانه اتخاذ کردند؛ برخی از دولت‌ها مانند مصر و امارات، حمایت محتاطانه داشتند، در حالی که قطر و ترکیه نسبت به پیامدهای این طرح ابراز تردید کردند. از منظر روسیه، طرح ترامپ واجد اهمیت مضاعفی است. نخست، به این دلیل که مسکو طی سال‌های گذشته کوشیده است جایگاهی به عنوان میانجی در مناقشه فلسطین-رژیم صهیونیستی تثبیت کند. دوم، به این علت که هرگونه ترتیبات امنیتی جدید در غزه می‌تواند میزان نفوذ آمریکا را در غرب آسیا افزایش داده و فضای مانور روسیه را محدود سازد. از همین رو، مقامات کرملین ضمن ابراز حمایت ظاهری از تلاش‌ها برای برقراری آتش‌بس و بازسازی، بر ضرورت نقش سازمان ملل و راه‌حل‌های چندجانبه تأکید کردند. این موضع نشان می‌دهد که روسیه طرح ترامپ را فرصتی برای آزمون ظرفیت‌های خود در موازنه‌سازی قدرت‌های بین‌المللی تلقی می‌کند. از دیدگاه نظری، طرح ترامپ نه تنها در چارچوب سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده قابل تحلیل است، بلکه بازتابی از رقابت ساختاری

¹ Amr Hamzawy. (October 1, 2025). Trump's Gaza Peace Plan: Comprehensive, Ambitious, and Uncomfortably Ambiguous. Carnegie Endowment for International Peace, <https://carnegieendowment.org/2025/10/gaza-trump-peace-plan-comprehensive-obstacles?lang=en>

میان واشنگتن و مسکو در عرصه نظم بین‌المللی نیز هست. برای ایالات متحده، این طرح ابزاری برای تثبیت نقش رهبری و جلوگیری از نفوذ رقاباتی چون ایران، ترکیه و روسیه است. بنابراین، تحلیل سیاست و راهبرد روسیه در قبال آینده غزه، بدون در نظر گرفتن جایگاه و منافع ایران، تصویری ناقص از دینامیک قدرت در منطقه ارائه خواهد داد. برای روسیه، پذیرش یا رد کامل طرح می‌تواند هزینه‌های راهبردی به همراه داشته باشد؛ چراکه عدم مشارکت فعال به معنای عقب‌نشینی از یکی از مهم‌ترین بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه است و مشارکت بی‌قید و شرط نیز به معنای تقویت موقعیت آمریکا در منطقه خواهد بود. بنابراین، پرسش اصلی این است که روسیه چگونه می‌تواند جایگاه خود را در پرتو این طرح بازتعریف کند. آیا مسکو به سمت همکاری محدود با واشنگتن حرکت خواهد کرد تا بخشی از فرآیند بازسازی غزه را در دست گیرد، یا ترجیح می‌دهد با محوریت سازمان ملل و همکاری با چین، ایران و کشورهای عربی، نظم جایگزین چندجانبه‌ای را پیشنهاد دهد.

پیشینه سیاست روسیه در قبال مسئله رژیم صهیونیستی و فلسطین

از همان آغاز شکل‌گیری دولت رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، سیاست شوروی نسبت به مسئله فلسطین پیچیدگی و دگردیسی‌های معناداری را تجربه کرد؛ علیرغم گرایش‌های ایدئولوژیک کمونیستی و سنت حمایت از جنبش‌های ضداستعمار، مسکو در سال‌های اولیه پس از جنگ جهانی دوم شرایطی را فراهم آورد که به‌رغم تردیدهای ایدئولوژیک و سنت دیرپای ضدیهودیت داخلی، دولت رژیم صهیونیستی را در سازمان ملل به رسمیت شناخت و تا حدودی از تشکیل آن حمایت کرد، امری که به‌سرعت در طول دهه‌های بعدی و در پی تغییر معادلات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و پیوند عمیق‌تر شوروی با دولت‌های عربی ضد رژیم صهیونیستی به تدریج جای خود را به سیاستی صریحاً ضد رژیم صهیونیستی داد.^۲ در جریان جنگ‌های اعراب و رژیم صهیونیستی در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ و به‌ویژه پس از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ که به قطع روابط دیپلماتیک رسمی بین مسکو و تل‌آویو منجر شد، اتحاد شوروی سیاستی فعال در تدارک تسلیحات، آموزش نظامی و پشتیبانی سیاسی از مصر، سوریه و سایر بازیگران عرب در برابر رژیم صهیونیستی دنبال کرد؛ این حمایت شوروی نه تنها در سطح تسلیحاتی و دیپلماتیک، بلکه در قالب پشتیبانی سیاسی

^۲ Laurent Rucker. (2011). Moscow's Surprise: The Soviet-Israeli Alliance of 1947-1949. file:///C:/Users/payam%2003/Downloads/moscow039s-surprise-the-soviet-israeli-alliance-of-1947-1949.pdf

از مطالبه فلسطینیان در مجامع بین‌المللی نیز متجلی شد و از آن پس تا پایان جنگ سرد، مسکو یکی از حامیان اصلی محور عربی- فلسطینی در رویارویی با رژیم صهیونیستی به شمار می‌رفت.^۳

با فروپاشی اتحاد شوروی و بازگشت روابط دیپلماتیک رسمی میان روسیه و رژیم صهیونیستی در اوایل دهه ۱۹۹۰، سیاست مسکو نسبت به مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی وارد مرحله تطبیق و تعدیل شد؛ روسیه جدید گرایش یافت که روابط تجاری و کاری با جامعه بزرگ روسی تبار در رژیم صهیونیستی، مسائل مهاجرتی و مصالحه‌گرایی در سیاست خارجی را در اولویت قرار دهد و همزمان تلاش کند نقش میانجی‌گرانه‌ای بازی کند که هم دسترسی به جهان عرب و هم روابط حسنه با تل‌آویو را حفظ نماید، رویه‌ای که به تدریج در قالب عضویت فعال روسیه در «چهارگانه خاورمیانه» و ارائه پیشنهادهایی برای نیروهای حافظ صلح و سازوکارهای چندجانبه برای مناقشه رژیم صهیونیستی- فلسطین بروز یافت.^۴

در سده بیست‌ویکم و به‌ویژه در دوره ولادیمیر پوتین، روسیه سیاستی عملی‌گرا و چندوجهی را در قبال خاورمیانه اتخاذ کرد که تلفیقی از موازنه‌سازی دیپلماتیک، تقویت روابط نظامی با متحدان منطقه‌ای (مانند سوریه) و تلاش برای حضور در فرایندهای سیاسی-صلح بود؛ همزمان، تنش‌زدایی نسبی با رژیم صهیونیستی در زمان‌های مشخص (از جمله روابط نزدیک شخصی بین پوتین و برخی رهبران رژیم صهیونیستی در دوران نتانیاهو) همراه با استمرار ارتباطات با طرف‌های فلسطینی و حمایت رسمی از راه‌حل دو دولت، الگوی غالب سیاست روسیه را شکل داد، الگویی که هم‌زمان به مسکو امکان می‌داد نقش میانجی را حفظ کند و از زمینه‌های نفوذ در جهان عرب استفاده کند.^۵

تغییر مهم دیگری که سیاست روسیه را بازتعریف نمود، دخالت نظامی آشکار مسکو در سوریه از سال ۲۰۱۵ به بعد بود؛ تجربه سوریه نه تنها کارکرد نظامی و لجستیکی روسیه در منطقه را تقویت کرد، بلکه ظرفیت‌های اطلاعاتی، لجستیکی و دیپلماتیک جدیدی در اختیار مسکو نهاد که به واسطه آن روسیه اکنون می‌تواند به‌صورت فعال‌تری در مسائل منطقه‌ای از جمله مناسبات میان رژیم صهیونیستی و بازیگران فلسطینی ایفای نقش کند؛ اما همین نقش تقویت‌شده در سوریه، به‌ویژه نزد رژیم صهیونیستی، موجب ایجاد سطحی از بی‌اعتمادی شده که ترکیب روابط دوگانه روابط امنیتی و هماهنگی با تل‌آویو بر سر عملیات در سوریه از یک‌سو و همزمان تقویت رابطه با تهران و بازیگران

^۳ Nikolay Kozhanov. (2018). Russian Policy Across the Middle East Motivations and Methods. <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/publications/research/2018-02-21-russian-policy-middle-east-kozhanov.pdf>

^۴ Shlomo Avineri. (2001). Israel-Russia Relations. <https://carnegieendowment.org/research/2001/04/israel-russia-relations?lang=en>

^۵ Joshua Krasna. (2018). Moscow on the Mediterranean: Russia and Israel's Relationship. <https://www.fpri.org/wp-content/uploads/2018/06/krasna2018.pdf>

نیابتی از سوی دیگر را پیچیده کرده است.^۶ در واکنش به منازعات اخیر غزه و به‌ویژه پس از بروز درگیری‌های بزرگ در دهه ۲۰۱۰ و انفجار بحران‌های ۲۰۲۳-۲۰۲۵، رویکرد روسیه گرایش‌هایی را نشان داده است که از تلاش برای توازن دوباره حکایت دارد؛ از یک سو مسکو بارها از لزوم پایان دادن به خشونت و تأکید بر راه‌حل دودولتی سخن گفته و از سوی دیگر حمایت عملی یا دیپلماتیک از سخنان و مواضع کشورهای عربی و نیز نزدیکی فزاینده با ایران را تقویت کرده است، روندی که به‌سبب جنگ اوکراین و فشارهای غربی، شتاب بیشتری یافته و موجب شده است تا برخی تحلیلگران غربی و منطقه‌ای این پرسش را مطرح کنند که آیا روسیه در عمل به سمت همگرایی با مواضع پروفلسطینی-ضدرژیم صهیونیستی متمایل می‌شود یا همچنان در پی حفظ توازن راهبردی است.^۷

سیاست کنونی روسیه نسبت به رژیم صهیونیستی و فلسطین را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تأثیرات بحران اوکراین و بازتعریف اتحادهای بین‌المللی تحلیل کرد، زیرا انزوای غربی روسیه در پی تحریم‌ها و کاهش تعاملات اقتصادی، کرملین را به تقویت روابط با بازیگرانی چون ایران و برخی کشورهای عربی سوق داده است و این جابه‌جایی راهبردی در مواضع رسمی، بازتابی از ترکیب ملاحظات امنیتی، اقتصادی و حیثیتی است که مسکو در مواجهه با مسئله فلسطین دنبال می‌کند؛ به‌عنوان نمونه، روسیه در مقاطع اخیر، به‌صورت رسمی حمایتش را از راه‌حل دودولتی ابراز نموده است اما همزمان در عرصه عملی و دیپلماتیک پیگیر حفظ کانال‌های ارتباطی با بازیگران فلسطینی و منطقه‌ای شده تا از امکان نقش‌آفرینی مستقیم یا پشت‌پرده در وضعیت پساجنگ برخوردار باشد.^۸ از منظر ساختاری و راهبردی، می‌توان روند سیاست روسیه را از دوران شوروی تاکنون چنین خلاصه کرد: حرکت از یک موضع ایدئولوژیک و صریحاً ضدرژیم صهیونیستی در دوران جنگ سرد، به سیاستی عملگرا و متوازن در دهه‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰ که همزمان روابط با رژیم صهیونیستی و حمایت از حقوق فلسطینی را دنبال می‌کرد، و نهایتاً به یک راهبرد چندقطبی و سازگارکننده در عهد پوتین که با ابزارهای نظامی، دیپلماتیک، اقتصادی و رسانه‌ای تلاش می‌کند نفوذ خود را در منطقه حفظ یا گسترش دهد؛ این تحول تدریجی که همواره بین ضرورت‌های مشروعیت بین‌المللی و محاسبات قدرت منطقه‌ای در

^۶ Nikolay Kozhanov. (2018). Russian Policy Across the Middle East.; Emily Ferris. (November 7, 2023). Two Wars, One Common Denominator: Russia and the Israel-Gaza Conflict. <https://www.rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/two-wars-one-common-denominator-russia-and-israel-gaza-conflict>

^۷ James Nixey and Nikolay Kozhanov. (November 9, 2023). The war in Gaza is aligning Russia against Israel. <https://www.chathamhouse.org/2023/11/war-gaza-aligning-russia-against-israel>; Fiona Hill and Kevin Huggard. (January 31, 2024). What is Russia's role in the Israel-Gaza crisis?. <https://www.brookings.edu/articles/what-is-russias-role-in-the-israel-gaza-crisis/>

^۸ Reuters. (September 22, 2025). Russia, after Western Palestinian state recognition move, says it still backs a two-state solution. <https://www.reuters.com/world/middle-east/russia-after-western-palestinian-state-recognition-move-says-it-still-backs-two-2025-09-22/>; Nikolay Kozhanov. (November 19, 2012). Russia's Policy Towards the Middle East. <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/public/Research/Russia%20and%20Eurasia/191112summary.pdf>

نوسان بوده، تعیین کننده هر گونه تفسیر از رفتار فعلی کرملین در قبال غزه، رژیم صهیونیستی و فرایندهای صلح آینده است.

جدول ۱. سیاست شوروی و روسیه در قبال رژیم صهیونیستی و فلسطین (۱۹۴۵-۲۰۲۵)

سال	رویداد کلیدی	راهبرد و پیامدها
۱۹۴۷-۱۹۴۸	حمایت اتحاد شوروی از طرح تقسیم فلسطین و شناسایی رسمی دولت رژیم صهیونیستی	در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، استالین از تشکیل رژیم صهیونیستی به عنوان تضعیف کننده نفوذ بریتانیا در خاورمیانه حمایت کرد، هرچند این سیاست بعداً تغییر یافت.
۱۹۵۶	بحران سوئز و حمایت شوروی از مصر در برابر رژیم صهیونیستی، بریتانیا و فرانسه	شوروی با تهدید اتمی غیرمستقیم علیه غرب، جایگاه خود را به عنوان حامی اعراب در برابر رژیم صهیونیستی تثبیت کرد.
۱۹۶۷	جنگ شش روزه و قطع روابط دیپلماتیک شوروی با رژیم صهیونیستی	شکست اعراب سبب تغییر موازنه منطقه شد؛ شوروی حمایت نظامی گسترده از سوریه و مصر را آغاز کرد.
۱۹۷۳	جنگ یوم کیپور (رمضان) و پل هوایی شوروی برای مصر و سوریه	شوروی نقش فعال در پشتیبانی تسلیحاتی اعراب ایفا کرد؛ رقابت نیابتی با آمریکا در اوج جنگ سرد تثبیت شد.
۱۹۷۸-۱۹۸۲	پیمان کمپ دیوید و تضعیف نفوذ شوروی در خاورمیانه	خروج مصر از محور عربی سبب کاهش نفوذ شوروی شد و تمرکز مسکو به سوریه و فلسطینیان معطوف گردید.
۱۹۹۱	فروپاشی شوروی و احیای روابط دیپلماتیک روسیه و رژیم صهیونیستی	روسیه روابط اقتصادی، مهاجرتی و فرهنگی گسترده با رژیم صهیونیستی برقرار کرد و در عین حال رابطه اش با سازمان آزادی بخش فلسطین را حفظ نمود.
۲۰۰۲	عضویت روسیه در چهارگانه خاورمیانه	مشارکت رسمی در فرایند صلح به عنوان قدرت میانجی؛ هدف حفظ توازن بین تل آویو و رام الله.
۲۰۱۱-۲۰۱۵	بهار عربی و سپس ورود نظامی روسیه به سوریه	دخالت در سوریه جایگاه روسیه را در محور مقاومت تقویت کرد و همزمان نیاز به هماهنگی نظامی با رژیم صهیونیستی در آسمان سوریه ایجاد شد.
۲۰۱۸-۲۰۲۱	همکاری محتاطانه روسیه با رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از برخورد مستقیم در سوریه	برقراری «مکانیسم رفع تنش» میان مسکو و تل آویو برای هماهنگی عملیات هوایی در سوریه؛ روابط شخصی پوتین و نتانیاهو در اوج خود بود.
۲۰۲۲	جنگ اوکراین و کاهش همکاری های روسیه-رژیم صهیونیستی	مواضع رژیم صهیونیستی در محکومیت تهاجم روسیه، موجب تیرگی روابط شد و روسیه به حمایت دیپلماتیک از فلسطین متمایل تر گردید.
۲۰۲۳-۲۰۲۴	جنگ غزه و موضع متوازن روسیه در محکومیت غیرمستقیم رژیم صهیونیستی	روسیه خواستار آتش بس فوری شد و از راه حل دو دولتی حمایت کرد؛ همزمان ارتباط با حماس و ایران را حفظ نمود.
۲۰۲۵	جنگ دوازده روزه رژیم صهیونیستی و ایران و موضع محتاطانه روسیه	کرملین ضمن انتقاد از حملات رژیم صهیونیستی، از ورود مستقیم پرهیز کرد تا توازن میان ایران، جهان عرب و رژیم صهیونیستی را حفظ کند.

طرح صلح ترامپ برای غزه

طرح صلح پیشنهادی دونالد ترامپ^۹، رئیس جمهور آمریکا برای نوار غزه، که در دیدار با بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، رونمایی شد، در یک دوراهی قرار دارد. در آستانه دومین سالگرد جنگ، ابعاد انسانی بحران به طور فزاینده‌ای با فشارهای سیاسی و اولویت‌های امنیتی در هم می‌آمیزد. این امر هرگونه رویکردی برای بازسازی و ثبات در غزه را به آزمونی دشوار تبدیل می‌کند: آیا این طرح صلح می‌تواند جاه‌طلبی‌های خود را با واقعیت‌های میدانی تطبیق دهد. پیشنهاد ترامپ چشم‌اندازی جامع برای بازسازی نوار غزه و توقف چرخه خشونت ارائه می‌دهد. این طرح بیست ماده‌ای بر اساس چهار چارچوب یکپارچه شامل امنیت، بازسازی و توسعه، ترتیبات سیاسی و اداری و همکاری بین‌المللی و منطقه‌ای است.^{۱۰}

از نظر امنیتی، این طرح بر بازگرداندن گروگان‌های رژیم صهیونیستی (زنده و مرده) در ازای آزادی تعدادی از زندانیان و بازداشت‌شدگان فلسطینی تأکید دارد. این طرح بدون تعیین جدول زمانی، خواستار عقب‌نشینی تدریجی نیروهای رژیم صهیونیستی و ایجاد سازوکارهایی برای خلع سلاح حماس و سایر جنبش‌های مقاومت است. برای تضمین پایداری، این طرح مستلزم نظارت مستمر بر مرزها و گذرگاه‌ها و همچنین آموزش نیروهای امنیتی فلسطینی تحت نظارت بین‌المللی است.^{۱۱} همچنین شامل تمهیداتی برای ایجاد واحدهای امنیتی تخصصی یعنی نیروی بین‌المللی تثبیت^{۱۲} برای نظارت بر اجرا و مهار تهدیدات یا شیوع خشونت‌های احتمالی است.

از نظر توسعه، این طرح به بازسازی خدمات اساسی مانند برق، آب و مراقبت‌های بهداشتی و همچنین بازسازی مدارس و بیمارستان‌ها می‌پردازد. همچنین از پروژه‌های اقتصادی کوچک و متوسط برای ایجاد فرصت‌های شغلی برای مردم محلی حمایت می‌کند. این طرح بر شفافیت در مدیریت کمک‌ها تأکید دارد تا از سوءاستفاده گروه‌های مسلح یا غیرقانونی جلوگیری شود. این اقدام پیش‌نیازی برای ایجاد اعتماد شهروندان غزه به تلاش‌های امنیتی بین‌المللی و ایجاد محیطی مساعد برای موفقیت سایر اقدامات است.^{۱۳}

⁹ Robert Tait. (September 29, 2025). What's in Trump's 20-point peace plan for Gaza?. <https://www.theguardian.com/world/2025/sep/29/trump-peace-plan-gaza-israel-hamas>

¹⁰ Amr Hamzawy. (2025). Trump's Gaza Peace Plan.

¹¹ Kanishka Singh. (September 30, 2025). US proposal for 'temporary' Gaza governance includes Tony Blair, Trump. <https://www.reuters.com/world/europe/us-proposal-temporary-gaza-governance-includes-tony-blair-trump-2025-09-29/>

¹² The National. (September 30, 2025). What we know about the proposed Gaza 'International Stabilisation Force'. <https://www.thenationalnews.com/news/us/2025/09/29/gaza-peacekeeping-force/>

¹³ Amr Hamzawy. (2025). Trump's Gaza Peace Plan.

این طرح، آوارگی فلسطینی‌ها را رد می‌کند و بر ادامه حضور آنها در نوار غزه تأکید دارد، در حالی که فرصت‌هایی برای آموزش، اشتغال و مراقبت‌های بهداشتی فراهم می‌کند. این موضوع هم با لفاظی‌های قبلی ترامپ و هم با تعهد راسخ جناح راست رژیم صهیونیستی به آوارگی اجباری که یک جنایت جنگی است، در تضاد است. اگرچه این طرح به طرز ناخوشایندی مبهم است، اما حق بازگشت به غزه را برای کسانی که آنجا را ترک کرده‌اند یا خواهند رفت، تصریح می‌کند.^{۱۴}

در مورد جنبه‌های سیاسی و اداری، پیشنهاد ترامپ نشان‌دهنده تمایل به بازسازی حکومت محلی در غزه به منظور تضمین استقلال اداره مدنی از هر گونه نفوذ مسلحانه است.^{۱۵} این امر توسط هیئت صلح، کمیته‌ای پیشنهادی به ریاست ترامپ و شامل چندین سازمان جامعه مدنی که بر پیشرفت نظارت خواهند داشت، اجرا خواهد شد. این طرح همچنین شامل سازوکارهایی برای تسهیل هماهنگی بین هیئت صلح و سازمان ملل متحد، آژانس‌های آن و نهادهای بین‌المللی، از جمله ضمانت‌های حقوقی و سیاسی روشن برای حفاظت از حقوق فلسطینیان است که در نتیجه مشروعیت این طرح را تقویت می‌کند.^{۱۶}

بعد منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس تشکیل نیروی بین‌المللی تثبیت اوضاع توسط مصر، اردن و ایالات متحده و آموزش نیروهای امنیتی فلسطین توسط مصر و اردن برای به عهده گرفتن مسئولیت‌ها در غزه پس از دوره انتقالی است. همچنین این طرح بر کشورهای عربی، اسلامی و اروپایی برای ارائه حمایت مالی، سیاسی و فنی متکی است. این طرح تأکید می‌کند که مشارکت کشورهای عربی و اسلامی و طرف‌های بین‌المللی باید با تعریف روشنی از مسئولیت‌ها و تعهدات هر دو طرف رژیم صهیونیستی و فلسطینی همراه باشد. این تقسیم‌بندی با هدف تضمین اثربخشی، جلوگیری از درگیری و حفاظت از حقوق مردم غزه انجام می‌شود. این طرح با اشاره به این نکته پایان می‌یابد که پایان دادن به جنگ در غزه، بازگرداندن امنیت، خلع سلاح و تثبیت مدیریت آن همراه با تعهد تشکیلات خودگردان فلسطین به اجرای برنامه‌های اصلاحی خاص می‌تواند در را برای مذاکره در مورد حق مشروع مردم فلسطین برای ساختن کشور خود باز کند. طرح ترامپ برای غزه جامع و بلندپروازانه است و از حمایت برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار

¹⁴ Ibid

¹⁵ Omar Shaban. (April 24, 2025). Gaza's day after: Reconstruction and governance challenges. <https://www.brookings.edu/articles/gazas-day-after-reconstruction-and-governance-challenges/>

¹⁶ Samy Magdy, Lee Keath. (September 29, 2025). What to know about the Gaza peace proposal touted by Trump and Netanyahu. <https://www.pbs.org/newshour/politics/what-to-know-about-the-gaza-peace-proposal-touted-by-trump-and-netanyahu>

است. با این حال، موانع اجرایی مورد انتظار متعدد و قابل توجه هستند.^{۱۷} از یک سو، تضمین تعهد رژیم صهیونیستی به عدم استفاده از زور پس از اجرای طرح و برقراری آتش‌بس، یک چالش خواهد بود.^{۱۸} این امر مستلزم نظارت دقیق منطقه‌ای و بین‌المللی، هماهنگی مداوم و نقش پایدار آمریکا برای جلوگیری از هرگونه عقب‌نشینی است که می‌تواند بلافاصله غزه را دوباره به چرخه خشونت بکشد. از سوی دیگر، تمایل حماس به خلع سلاح و پایبندی به نظارت امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی، به ویژه با توجه به عدم وجود خطوط و زمان‌بندی مشخص برای خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از نوار غزه، یک مانع اساسی است.^{۱۹}

موفقیت این طرح همچنین مستلزم فراهم کردن زمینه حمایت شرکای منطقه‌ای از آن است. به طور خاص، نقش مصر و اردن در تشکیل نیروی بین‌المللی ثبات‌بخش و مشارکت در مدیریت امنیت از طریق آموزش پرسنل پلیس فلسطین باید به وضوح مشخص شود. هرگونه ابهام از سوی طرف‌های رژیم صهیونیستی و فلسطینی در مورد تعهداتشان در این طرح، یا تردید در تعریف سازوکارها و محدودیت‌های مشارکت مصر، اردن و سایر کشورهای عربی، می‌تواند اثربخشی ترتیبات امنیتی را تضعیف کند. خطر اینجاست که دولت محلی، تحت هدایت هیئت صلح، در مواجهه با چالش‌های پیچیده امنیتی و بشردوستانه، بدون حمایت رها شود.^{۲۰} از این نظر، ایجاد تعادل بین جاه‌طلبی و ظرفیت اجرایی، چالش تعیین‌کننده در طرح پیشنهادی ترامپ است. ایالات متحده باید سرمایه‌گذاری سنگینی، چه از نظر دیپلماتیک و چه از نظر سیاسی، انجام دهد تا پایبندی رژیم صهیونیستی به تعهداتش را تضمین کند. به همین ترتیب، طرف‌های منطقه‌ای مانند مصر، اردن، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و ترکیه باید با حماس همکاری کنند تا از پایبندی آن به شرط دشوار خلع سلاح اطمینان حاصل شود. هر طرحی، صرف نظر از اینکه چقدر از نظر راهبردی درست باشد، برای دستیابی به نتایج ملموس، نیازمند تعهد سیاسی پایدار منطقه‌ای و بین‌المللی است.

¹⁷ Miranda Jeyaretnam. (September 30, 2025). World Leaders Signal Support for Trump's Gaza Plan, Critics Cast Doubt. <https://time.com/7321858/trump-gaza-peace-plan-israel-hamas-war-world-reactions-analysis/>

¹⁸ General Assembly. (19 March 2025). Israel continues to violate the ceasefire agreement; UN facilities are being attacked – Letter from the State of Palestine. <https://www.un.org/unispal/document/israel-continues-to-violate-the-ceasefire-agreement-un-facilities-are-being-attacked-letter-from-the-state-of-palestine-a-es-10-1027-s-2025-173/>

¹⁹ Daniel Estrin, Emily Feng. (September 30, 2025). 5 takeaways from the U.S. ceasefire proposal for Israel and Hamas. <https://www.npr.org/2025/09/30/g-s1-91244/5-takeaways-from-the-u-s-ceasefire-proposal-for-israel-and-hamas>

²⁰ Amr Hamzawy. (2025). Trump's Gaza Peace Plan.

فرصت‌ها و چالش‌های طرح ترامپ برای روسیه

طرح ۲۰ ماده‌ای پیشنهادی ایالات متحده برای غزه مجموعه‌ای از اقدامات فشرده و زمان‌بندی‌شده را پیشنهاد می‌کند که هدف نهایی آن پایان فوری درگیری، خلع سلاح سازمان‌یافته حماس، تأسیس نهاد انتقالی چندملیتی برای اداره غزه و آغاز یک برنامه بازسازی با مشارکت بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای است؛ این چارچوب، چنانچه به مرحله اجرا برسد، ظرفیت ایجاد یک «نظم نو» در ساحل شرقی دریای مدیترانه را داراست که به سرعت موازنه‌های سنتی نفوذ را بازنویسی خواهد کرد.^{۲۱} واکنش رسمی مسکو در ابتدا مثبت تلقی شد و سخنگوی کرملین اعلام کرد که روسیه هر تلاشی را که به پایان دادن «این تراژدی انسانی» بینجامد، پشتیبانی می‌کند، اما این استقبال رسمی لزوماً به معنی تکیه‌دادن روسیه بر اجرای بی‌قیدوشرط طرح نیست؛ بلکه نشان‌دهنده تمایل مسکو به ورود حساب‌شده و کسب امتیازات راهبردی در صورت وجود شرایط قابل قبول است.^{۲۲}

از منظر راهبردی، چند مؤلفه طرح برای مسکو اهمیت ویژه دارد: اول بند خلع سلاح حماس و جایگزینی فوری ساختار حکمرانی محلی با نهاد انتقالی چندملیتی مستلزم حضور ناظران یا نیروهای تثبیت‌کننده بین‌المللی است که در عمل می‌تواند عرصه‌ای برای رقابت نفوذ سطح بالا بین واشینگتن و بازیگران ثالث مانند مسکو فراهم کند؛ در چنین وضعیتی، روسیه می‌تواند با پیشنهاد نقش در نهادهای بین‌المللی، ارائه کمک‌های تخصصی (بازسازی، لجستیک، امنیت ساحلی) و دیپلماسی فعال، نفوذ جدیدی کسب نماید، اما این گزینه هزینه سیاسی و عملی قابل توجهی دارد و مستلزم پذیرش فرایندی شفاف و قابل‌رصد است که با منافع عدم‌افشای ارتباطات و شبکه‌های نیابتی مسکو در تعارض قرار می‌گیرد.^{۲۳} دوم، عنصر بازسازی اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در متن طرح، برای روسیه هم تهدید و هم فرصت است. از سویی، مشارکت در پروژه‌های بازسازی می‌تواند کانال‌هایی برای نفوذ ژئواکونومیک فراهم آورد و امکان رقابت با بازیگران غربی در قراردادهای زمان‌بر و چشم‌گیر را میسر سازد؛ از سوی دیگر، ورود ایران‌محور بازیگران محلی و حساسیت کشورهای حوزه خلیج فارس و ترکیه نسبت به نوع مالکیت پروژه‌ها می‌تواند روسیه را به سمت انتخاب‌های دشواری بین حفظ روابط با تهران یا پذیرش سازوکارهای مورد تأیید واشینگتن سوق دهد.^{۲۴} سوم، پیامد

²¹ Elis Gjevari. (September 29, 2025). Here's the full text of Trump's 20-point plan to end Israel's war on Gaza. <https://www.aljazeera.com/news/2025/9/29/heres-the-full-text-of-trumps-20-point-plan-to-end-israels-war-on-gaza>

²² Reuters. (September 30, 2025). Kremlin spokesman: Russia welcomes Trump's Gaza plan. <https://www.reuters.com/world/asia-pacific/global-reaction-trumps-proposal-gaza-peace-plan-2025-09-30>; The Moscow Times. (September 30, 2025). Kremlin says it 'supports and welcomes' Trump's Gaza plan. <https://www.themoscowtimes.com/2025/09/30/kremlin-says-it-supports-and-welcomes-trumps-gaza-plan-a90672>

²³ Amr Hamzawy. (2025). Trump's Gaza Peace Plan.

²⁴ Samuel Ramani. (October 12, 2023). Russia Asks: How to Benefit From the Gaza War?. <https://cepa.org/article/russia-asks-how-to-benefit-from-the-gaza-war/>; Hasan Alhasan. (September 30, 2025). Trading amid turbulence: the GCC states' networked

امنیتی خلع سلاح و تلاش برای تضعیف شبکه‌های مسلح به‌روشنی می‌تواند خلأهای امنیتی ایجاد کند که بازیگران منطقه‌ای (و فرامنطقه‌ای) برای پر کردن آن وارد شوند. در این میان، روسیه می‌تواند با ارائه تجربه و ظرفیت در زمینه‌های کنترل مرز دریایی، آموزش نیروهای پلیسی و کمک به سازوکارهای اطلاعاتی، نقش فعالی ایفا کند؛ اما چنین نقشی نیازمند سازگاری با استانداردهای شفافیت بین‌المللی است که ممکن است با منافع اطلاعاتی مسکو، مخصوصاً در حفظ تماس با گروه‌ها یا بازیگران محلی، تعارض داشته باشد.^{۲۵}

جدول ۲. فرصت‌ها و چالش‌ها برای روسیه

محورها	فرصت	چالش/هزینه
نقش دیپلماتیک	کسب اعتبار میانجی‌گری و افزایش نفوذ دیپلماتیک در خاورمیانه	خطر قرار گرفتن در دام ابتکار عمل واشینگتن و کاهش استقلال عملیاتی
بازسازی اقتصاد	کسب اعتبار میانجی‌گری و افزایش نفوذ دیپلماتیک در خاورمیانه	رقابت با کنسرسیوم‌های غربی/عربی؛ ریسک استانداردهای شفافیت و فساد
امنیت و نیروهای تثبیت‌کننده	ارائه تخصص امنیتی؛ نقش در آموزش و ناظر بر بازگشت پناهنجویان	پابندی به قواعد بین‌المللی؛ احتمال تعارض با کانال‌های اطلاعاتی و نفوذ ایران
روابط با ایران	حفظ کانال با تهران از طریق رویکرد چندجانبه و انعطاف در همکاری‌ها	فشار تهران در صورت پذیرش خلع سلاح حماس؛ فرسایش اعتماد محور مقاومت

سه مسیر راهبردی برای کرملین محتمل و راهبردی به نظر می‌رسد. سناریوی «مشارکت فعال» که در آن روسیه با شرط ورود به سازوکارهای چندجانبه سهمی در نهادهای اجرایی و بازسازی می‌پذیرد و از این طریق نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را تعمیق می‌بخشد اما با هزینه کنترل بین‌المللی و آسیب به برخی روابط منطقه‌ای همراه است؛ سناریوی «موازنه‌سازی محتاط» که در آن مسکو مواضع سیاسی حمایت‌آمیز از آتش‌بس را اعلام می‌کند، با چین و بازیگران عربی همکاری‌های موازی تعریف می‌نماید و از ورود مستقیم اجتناب می‌کند تا هم کانال‌های با تهران را حفظ کند و هم از مواجهه مستقیم با واشینگتن پرهیز نماید؛ و نهایتاً سناریوی «واکنش تاکتیکی و حداقلی» که در آن روسیه از ارائه کمک‌های بشردوستانه و دیپلماتیک بی‌طرفانه بهره می‌برد اما از تعهدات بلندمدت و حضور میدانی پرهیز می‌نماید.^{۲۶} اتخاذ هر یک از این مسیرها مستلزم مدیریت همزمان چند متغیر حساس از جمله پیوندهای مسکو با تهران،

approach to geo-economic resilience. International Institute for Strategic Studies (IISS), <https://www.iiss.org/online-analysis/charting-middle-east/2025/09/trading-amid-turbulence-the-gcc-states-networked-approach-to-geo-economic-resilience/>

²⁵ Center for Strategic and International Studies (CSIS). (February 5, 2025). The Evening: Trump Gaza Plan, U.S. Russia Talks Intensify, Hollywood Nights, and More. <https://www.csis.org/analysis/evening-trump-gaza-plan-us-russia-talks-intensify-hollywood-nights-and-more>

²⁶ Samuel Ramani. (2023). Russia Asks: How to Benefit from the Gaza War.

حساسیت بازیگران عربی خلیج فارس، توانایی واشینگتن در شکل‌دهی سازوکارهای چندجانبه و واکنش بازیگران محلی فلسطینی است. بنابراین، موفقیت راهبرد روسیه بستگی تام به توان آن در تلفیق دیپلماسی چندجانبه، ظرفیت‌های اقتصادی و انعطاف نظامی-امنیتی دارد، طوری که هم از فرصت‌های بازسازی و میانجی‌گری بهره‌مند شود و هم هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و اطلاعاتی را به حداقل برساند.

موضع رسمی روسیه نسبت به طرح ترامپ

از زمان انتشار رسمی طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ برای غزه، مقامات روسیه از جمله کرمین و وزارت خارجه، مواضعی اتخاذ کرده‌اند که ترکیبی از استقبال محتاطانه، درخواست شفاف‌سازی، ملاحظات بین‌المللی و نگرانی‌های راهبردی را بازتاب می‌دهد.

ولادیمیر پوتین در ۳ اکتبر در جلسه عمومی بیست و دومین نشست سالانه باشگاه گفتگوی بین‌المللی والدای شرکت کرد و درباره مسئله غزه نکاتی را مطرح کرد. پوتین گفت مسئله غزه به نظر فلسطینی‌ها، از جمله حماس، مربوط می‌شود. تونی بلر می‌تواند نقش مثبتی در حل مناقشه در نوار غزه ایفا کند. مهم است که بینیم فلسطین چه دیدگاهی نسبت به پیشنهادها برای حل مناقشه در غزه دارد. او در ادامه گفت چندین سوال در مورد اداره نوار غزه توسط یک نهاد بین‌المللی وجود دارد که مهمترین آنها این است که این اداره تا چه مدت به فعالیت خود ادامه خواهد داد، چگونه عمل خواهد کرد و پس از آن قدرت به چه کسی منتقل خواهد شد.^{۲۷} دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرمین در نشست مطبوعاتی در ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۵ اعلام کرد: «روسیه همیشه هر تلاشی را که هدفش پایان دادن به این تراژدی در غزه باشد، حمایت و خوش‌آمد می‌گوید.» او افزود که این طرح اگر اجرا شود، می‌تواند به پایان خشونت‌ها کمک کند و «امید است اجرا گردد تا تحولات در غرب آسیا به مسیر صلح‌آمیز بازگردد.»^{۲۸} اما پسکوف صراحتاً تأکید نمود که «مسکو در حال حاضر بخشی از اقدامات آتش‌بس فعال یا طرح اجرایی آن نبوده و هیچ سیگنالی از واشینگتن در این خصوص دریافت نکرده است.»^{۲۹} روسیه معتقد است که حل و فصل مناقشه خاورمیانه تنها از طریق چارچوب دو دولتی

²⁷ President Putin's Speech at the Valdai Discussion Forum Plenary. (October 03, 2025). <https://afrasianet.net/2021/en/news/30361-president-putin-s-speech-at-the-valdai-discussion-forum-plenary.html>

²⁸ The Moscow times. (September 30, 2025). Kremlin Says It 'Supports and Welcomes' Trump's Gaza Plan. <https://www.themoscowtimes.com/2025/09/30/kremlin-says-it-supports-and-welcomes-trumps-gaza-plan-a90672>; Reuters. (October 1, 2025). Kremlin says it hopes Trump's Gaza peace plan is implemented. <https://www.reuters.com/world/middle-east/kremlin-says-it-hopes-trumps-gaza-peace-plan-is-implemented-2025-09-30/>

²⁹ Ahram Online. (September 30, 2025). Russia rejects Trump's plan for Gaza as it reaffirms support for two-state solution. <https://english.ahram.org.eg/News/539899.aspx>

قابل دستیابی است. این اصل در قطعنامه‌های مربوطه شورای امنیت سازمان ملل متحد گنجانده شده است و موضعی است که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای درگیر در این موضوع با آن موافق هستند. ما به آن پایبندیم، از آن حمایت می‌کنیم و معتقدیم که تنها گزینه مناسب است.^{۳۰} روسیه به تعداد فزاینده‌ای از قدرت‌های بزرگ پیوسته است که با طرح دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق آمریکا، برای جابجایی فلسطینی‌ها و تبدیل غزه به آنچه او «ریورای خاورمیانه» می‌نامید، مخالفت می‌کنند.^{۳۱} سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، نیز چند روز پس از آن اظهار داشت که هنوز متن کامل و دقیق طرح را ندیده است و جزئیات اصلی مانند اختیارات نهاد انتقالی و نظارت بین‌المللی برای روسیه نامشخص است. لاوروف تصریح کرد که برای اتخاذ موضع نهایی، مشارکت کشورهای عربی و واکنش بازیگران منطقه‌ای نیز باید لحاظ شود.^{۳۲} او همچنین در بیانیه‌ای هشدار داد که پیشنهاد اسکان دوباره فلسطینی‌ها از غزه در کشورهای همسایه اگر چنین مفهومی در طرح گنجانده شده باشد می‌تواند «بمبی ساعتی» برای ثبات منطقه باشد.^{۳۳} وزارت خارجه روسیه، از طریق سخنگوی آن، ماریا زاخارووا، اعلام کرده است که برخی از ایده‌ها در طرح ترامپ را به لحاظ اهداف کلی صلح و آتش‌بس اشتراک نظر دارد و «هر گام و ابتکاری که وضعیت را به سمت توقف درگیری‌ها حرکت دهد، سزاوار حمایت است». اما زاخارووا نیز تأکید کرده است که توضیح دقیق طرح و شرایط اجرای آن بسیار حائز اهمیت است تا بتوان تأثیرات و تعهدات مرتبط با آن را به صورت شفاف ارزیابی کرد.^{۳۴}

مواضع روسیه نشان می‌دهند که مسکو تلاش دارد تصویری از میانجی اخلاقی و عامل بازدارنده را حفظ کند. استقبال از اهداف صلح‌آمیز، بدون وارد شدن به تعهداتی که ممکن است موقعیت راهبردی‌اش را در مناطق تحت نفوذ ایران تضعیف کند. این نوع راهبرد به روسیه امکان می‌دهد ضمن ارتقای وجهه بین‌المللی و بهره‌برداری از فرصت دیپلماسی، از هزینه‌های سنگین نظامی یا تعهدات مستقیم جلوگیری کند. در بیانات کرملین و وزارت خارجه تأکید شده است که علاوه بر مفاد طرح، نحوه عملیاتی شدن آن، اختیارات نهادهای بین‌المللی و میزان مشارکت بازیگران منطقه‌ای و عربی تعیین‌کننده است. این امر بیانگر نگرانی روسیه از این است که طرح به شکلی علیه منافع راهبردی‌اش اجرا شود، به‌ویژه اگر نظارت بین‌المللی قوی باشد و تهران و گروه‌های مقاومت را کنار بگذارد.

^{۳۰} Ibid

^{۳۱} TASS. (September 30, 2025). Lavrov says he has not yet seen Trump's plan for Gaza. <https://tass.com/politics/2023337>

^{۳۲} Reuters. (2025). Kremlin says it hopes Trump's Gaza.

^{۳۳} Sputnik International. (September 30, 2025). Moscow calls for constructive dialogue as key to implementing Trump's Gaza plan. <https://sputnikglobe.com/20250930/moscow-calls-for-constructive-dialogue-as-key-to-implementing-trumps-gaza-plan-1122891147.html>

همچنین هشدار لاوروف درباره «بمب ساعتی» احتمالاً اشاره به تأثیرات گسترده پیامدهای پرتابی یا جابه‌جایی جمعیتی، تنش قومی و ناآرامی در کشورهایی مانند مصر یا اردن است. روسیه به وضوح نگران آن است که اجرای برخی بخش‌های طرح به‌ویژه خلع سلاح یا جابه‌جایی فلسطینی‌ها بتواند باعث بحران‌های اجتماعی و انسانی گردد که به بی‌ثباتی گسترده بدل شود، وضعیتی که نه تنها اعتبار مسکو بلکه امنیت منطقه‌ای را هم تهدید خواهد کرد. روسیه به نظر می‌رسد که مایل است در نهادهایی میانجی‌گر، بازسازی یا نظارتی شرکت کند، مشروط بر اینکه قدرت تأثیرگذاری حفظ شود و مسئولیت‌ها متناسب با منافع‌اش باشد. پیشنهادها شامل امکان ارسال کمک‌های بشردوستانه، دخالت در پروژه‌های زیرساختی، مشارکت در روند مذاکرات با ایران، کشورهای عربی و سازمان ملل است.

ابزارها و ظرفیت‌های روسیه برای نفوذ در غزه

روسیه در وضعیتی قرار دارد که می‌تواند از یک طیف نسبتاً گسترده از ابزارهای سخت و نرم بهره‌برداری کند، ولی ماهیت و مقیاس این بهره‌برداری باید مبتنی بر سنجش دقیق منافع و هزینه‌ها، و نیز محاسبه پیامدهای ژئوپلیتیکی هر اقدام باشد؛ به عبارت دیگر، قابلیت فناوری و منابع مالی، هرچند ضروری‌اند، به تنهایی کفایت نمی‌کنند مگر آن‌که کرملین هم‌زمان با مدیریت حساسیت‌های تهران، واشینگتن و پایتخت‌های عربی، راهبردی بُعددار و زمان‌بندی‌شده را اعمال نماید.^{۳۴} در ادامه هر حوزه را جداگانه بررسی می‌کنیم.

ابزارهای نظامی و امنیتی: از تجربه سوریه تا گزینه‌های نظارتی در غزه

تجربه روسیه در سوریه، اعم از استقرار سامانه‌های پدافند هوایی، عملیات جنگ الکترونیک، به‌کارگیری پهپادهای شناسایی و توسعه ظرفیت‌های اطلاعات سیگنال و الکترونیکی، نشان می‌دهد که کرملین دارای مزیت فنی بالقوه‌ای برای ارائه خدمات امنیتی «نظارتی» به بازیگران بین‌المللی یا منطقه‌ای است؛ این خدمات می‌تواند شامل استقرار سامانه‌های مانیتورینگ مرزی، پشتیبانی از کنترل بنادر و گذرگاه‌ها، و ارائه بسته‌های آموزشی برای نیروهای پلیسی و مرزبانی بومی باشد که در چارچوب مأموریت‌های چندملیتی سازمان ملل تعریف شود.^{۳۵} با این حال، هر گونه مشارکت آشکار نظامی یا شبه‌نظامی مستلزم پذیرش سازوکارهای نظارتی و شفافیت است که به‌طور بالقوه کانال‌های اطلاعاتی

³⁴ Amr Hamzawy. (2025). Trump's Gaza Peace Plan.

³⁵ International Institute for Strategic Studies (IISS). (2025, September). Gaza's interim future: reconstruction needs and strategic implications. <https://www.iiiss.org/online-analysis/2025/09/gazas-interim-future>

غیررسمی و نیابتی روسیه را محدود می‌سازد و این موضوع می‌تواند هزینه سیاسی در روابط با تهران را بالا ببرد؛ افزون بر این، ورود به نقش‌های امنیتی حساس ریسک محکومیت بین‌المللی در حوزه حقوق بشر را افزایش می‌دهد که نیازمند جبران از طریق اهداف بشردوستانه و دیپلماسی گسترده خواهد بود.

ابزار اقتصادی و پروژه‌های بازسازی: اهرم ژئواکونومیک در برابر دام بدهی و شفافیت

پروژه‌های بازسازی پسا جنگ، که در برآورد سازمان ملل و برخی اندیشکده‌ها رقمی در ده‌ها میلیارد دلار دارد، زمینه‌ای است که می‌تواند کانال‌های نفوذ اقتصادی درازمدت برای روسیه فراهم آورد؛ سرمایه‌گذاری در انرژی، برق‌رسانی، آب و حمل‌ونقل نه تنها جریان‌های مالی قابل توجهی را به شرکت‌های روسی می‌سپارد بلکه امکان ایجاد وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی در غزه را نیز مهیا می‌سازد، اما این گزاره تنها در صورتی محقق می‌شود که کرملین بتواند کنسرسیوم‌های بین‌المللی را به مشارکت جذب کند و موانع تحریمی، بیمه‌ای و بانکی ناشی از فشارهای غربی را مدیریت نماید.^{۳۶} از منظر عملیاتی، روسیه با ابزارهایی مانند ارائه خطوط اعتباری، قراردادهای برون‌سپاری به شرکت‌های شبه‌دولتی و تخصیص کمک فنی می‌تواند بازسازی را به نوعی ابزار نفوذ تبدیل کند؛ ولی در عین حال شفافیت قراردادهای و فشارهای نمایی برای رعایت استانداردهای بین‌المللی می‌تواند پیچیدگی‌های حقوقی و سیاسی را افزایش دهد و ریسک «دام بدهی» و ادعاهای فساد را به دنبال داشته باشد که در نهایت به تضعیف مشروعیت روسیه نزد شرکای محلی و بین‌المللی منجر شود.^{۳۷}

ابزار دیپلماتیک و ساختارهای چندجانبه: میانجی‌گری حساب‌شده در برابر انحصار واشینگتن

از منظر دیپلماتیک، راهبرد واقع‌بینانه برای مسکو، ترکیبی از ورود رسمی به سازوکارهای چندجانبه (برای کسب مشروعیت) و بازی دیپلماسی پشت‌پرده با تهران، قاهره و آنکارا (برای حفظ کانال‌های نفوذ محلی) است؛ مشارکت در هیئت‌های بازسازی تحت پوشش سازمان ملل یا نقش‌های ناظر می‌تواند جایگاه روسیه را در معادلات آتی تثبیت کند، مشروط بر آنکه این مشارکت‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که استقلال راهبردی مسکو را به حداقل ممکن کاهش ندهند و همزمان از انتقاد بازیگران عربی و ایرانی جلوگیری نمایند.^{۳۸} در این چارچوب، کرملین باید پیش از هر گام

³⁶ Samuel Ramani. (2023). Russia Asks: How to Benefit from the Gaza War.

³⁷ Amr Hamzawy. (2025). Trump's Gaza Peace Plan.

³⁸ Reuters. (2025). Kremlin says it hopes Trump's Gaza.

عملی، شروطی برای مشارکت تعیین کند، از جمله دسترسی به قراردادهای سهم در نهادهای ناظر و تضمین استمرار کانال‌های دیپلماتیک با تهران زیرا پذیرش بی‌قید و شرط نقش‌آفرینی بین‌المللی ممکن است به حذف یا تضعیف شبکه‌های نفوذی پیشین بیانجامد که برای روسیه دارای ارزش راهبردی‌اند.^{۳۹}

ابزار نرم‌افزاری، رسانه‌ای و اطلاعاتی: روایت‌سازی همزمان با عملیات اطلاعاتی هدفمند

روسیه از طریق شبکه‌های رسانه‌ای مانند مانند آر.تی و اسپوتنیک عربی همراه با ظرفیت‌های عملیات روانی و تحلیل داده، روایت‌هایی مبتنی بر «عدالت بشردوستانه»، «نیاز به حضور بازیگران غیرآمریکایی در بازسازی» و «حقوق مردم فلسطین» ترویج می‌دهد که می‌تواند در کوتاه‌مدت مشروعیت و پذیرش عمومی مشارکت مسکو در فرایندهای پساجنگ را افزایش دهد؛ با این حال، اثربخشی این استراتژی مشروط به هماهنگی محلی پیام‌ها، کیفیت پیوندها با بازیگران منطقه‌ای و مدیریت ریسک‌های اطلاعاتی است، زیرا بهره‌گیری آشکار یا سوءاستفاده از ظرفیت‌های سایبری و نظارتی می‌تواند به اتهامات نقض حاکمیت، واکنش‌های متقابل و تضعیف سرمایه نمادین روسیه بینجامد.^{۴۰}

پیامدهای هم‌افزایی و ملاحظات ناظران بین‌المللی

ترکیب هوشمندانه این ابزارها می‌تواند برای روسیه اثر هم‌افزایی ایجاد کند. به عنوان مثال، مشارکت اقتصادی در بازسازی می‌تواند با روایت‌سازی رسانه‌ای هماهنگ شده و حضور دیپلماتیک رسمی ترکیب شود تا مشروعیت لازم برای نفوذ بلندمدت فراهم گردد؛ ولی در وضعیت تقابلی یا رقابتی، این هم‌افزایی می‌تواند تضعیف شود اگر واشینگتن کنترل پروژه‌های کلیدی را در اختیار گیرد، یا اگر رقبا عملیات تبلیغاتی موازی و کارزارهای افشاگرانه را اجرا کنند، آنگاه منافع روسیه آسیب‌پذیر خواهد شد. بنابراین، تصمیم‌گیری در مورد ورود به هر یک از حوزه‌ها باید مبتنی بر ارزیابی هزینه-فایده کمی و کیفی، برنامه زمان‌بندی، و شاخص‌های پذیرش محلی و بین‌المللی باشد.

³⁹ Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation (MFA Russia). (September 30, 2025). Foreign Ministry statement on developments in the Gaza Strip. https://mid.ru/en/foreign_policy/news/2040857/

⁴⁰ Anna L. Borshchevskaya. (November-December 2021). Russia's Soft Power Projection in the Middle East. Military Review, <https://www.armyupress.army.mil/Portals/7/military-review/Archives/English/ND-21/Borschevskaya-Russia-Soft-Power.pdf>

جدول ۳: مقایسه ابزار و پیامدها

ابزار	پیامدهای بالقوه برای نفوذ روسیه	ریسک/هزینه قابل توجه
حضور امنیتی محدود+نظارت مرزی	کنترل مرزها؛ مانور بر آتش‌بس؛ افزایش اعتماد بازیگران منطقه‌ای	تعهد نظامی؛ انتقادات حقوق بشری؛ درگیری مستقیم ممکن
پروژه‌های بازسازی اقتصادی	فرصت‌های نفوذ اقتصادی؛ وابستگی محلی؛ ایجاد پایگاه‌های نرم‌افزاری	نیاز به سرمایه سنگین؛ کنترل کیفیت؛ تأخیر و فساد محتمل
رسانه و روایت‌سازی	تغییر افکار عمومی منطقه‌ای؛ افزایش مشروعیت روسیه	امکان پاسخ تبلیغاتی رژیم صهیونیستی یا آمریکا؛ خطر رد روایت‌ها
دیپلماسی چندجانبه/میانجی‌گری	نقش متوازن میان قدرت‌ها؛ کاهش فشار انزوای بین‌المللی	واگذاری برخی اختیارات؛ فشار واشینگتن برای شفافیت کامل

تلاقی منافع تهران و مسکو در غزه: از همکاری تاکتیکی تا رقابت راهبردی

روابط ایران و روسیه در چند دهه اخیر به شکلی رو به رشد و پیچیده تنظیم شده است، طوری که مسکو در بسیاری از موارد به عنوان شریک راهبردی تهران در عرصه امنیت منطقه‌ای، به‌ویژه در سوریه و محور مقاومت، عمل کرده است. لذا هر تحرک راهبردی روسیه در خاورمیانه، به‌ویژه در عرصه فلسطین و غزه، بدون تأثیر متقابل بر منافع ایران امکان‌پذیر نیست. در پرتو طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ برای غزه، مشارکت روسیه در گزینه‌های بازسازی، نظارت امنیتی یا ساختار دولتی انتقالی می‌تواند فضایی را ایجاد کند که در آن ایران و شبکه‌های مقاومت منطقه‌ای، به‌عنوان رقبای بالقوه قدرت نرم در غزه ظاهر شوند.

نخست، اگر روسیه نقش فعال و رسمی در بازسازی غزه بپذیرد و قراردادهای بزرگ اقتصادی را به دست آورد، این اقدام می‌تواند به گسترش تأثیر اقتصادی روسیه در نوار غزه منجر شود که مستقیماً وارد عرصه رقابت اقتصادی منطقه‌ای با ایران خواهد شد؛ در چنین شرایطی، تهران احتمالاً مجبور خواهد شد در پروژه‌های اقتصادی فلسطین و برای حفظ موقعیت خود در شبکه مقاومت، ابزارهای دیپلماتیک و مالی جدیدی به کار گیرد. در واقع، بازسازی غزه به عنوان عرصه‌ای برای نهادسازی اقتصادی می‌تواند سهم ایران را در چند دهه اخیر در تأمین منابع، حمایت شبکه‌ای، و پروژه‌های عمرانی تحت فشار قرار دهد و روسیه را به رقیبی جدی در این بازار تبدیل کند.^{۴۱}

⁴¹ Samuel Ramani. (2023). Russia Asks: How to Benefit from the Gaza War.

دوم، روابط امنیتی و نظامی میان ایران و گروه‌های فلسطینی (مانند حماس و جهاد اسلامی)، یکی از ارکان ظرفیت نفوذ تهران در منطقه بوده است. اگر روسیه بتواند از ابزار نظامی و نظارتی خود برای کنترل گذرگاه‌ها، شناسایی خطوط لجستیکی تسلیحاتی یا بستن کانال‌های تأمین تسلیحات استفاده کند، این امر ممکن است به فشار جدی بر شبکه‌ی گروه‌های مقاومت وارد سازد. چنین شرایطی، ایران را به بازاندیشی در راهبرد تأمین تسلیحات و بازسازی شبکه لجستیکی مجبور خواهد کرد. سوم، از منظر دیپلماتیک و راهبردی، اگر روسیه در هیئت‌های میانجی‌گری یا نهادهای بین‌المللی در فرایند غزه فعال شود و در مذاکرات صلح نقش‌آفرینی داشته باشد، ممکن است نقش ایران به عنوان «ضامن مقاومت» در افکار عمومی منطقه کاهش یابد. ایران همواره تلاش کرده است محور مقاومت را به صورت هژمونیک و دست برتر در مقابل رژیم صهیونیستی نمایش دهد.^{۴۲}

چهارم، ورود روسیه به پروژه رسانه‌ای و روایت‌سازی در غزه ممکن است مانعی برای گفتمان محوری ایران در مسائل فلسطین ایجاد کند. اگر روایت‌های رسانه‌ای روسیه نزد افکار عمومی عربی به مقبولیت برسند خصوصاً اگر با تمرکز بر نقش بی‌طرفی فعال یا کارکرد فنی‌سازانه همراه باشد ممکن است قدرت تأثیرگذاری ایران در پروژه‌های رسانه‌ای مقاومت کاهش یابد. این وضعیت ایران را به بازنگری در دیپلماسی رسانه‌ای و دفاع روایت‌محور خود ملزم می‌کند. روسیه به دلیل انزوای غربی و نیاز به شرکای منطقه‌ای، ممکن است به ایران اهرم همکاری بیشتری بدهد؛ این امر می‌تواند به افزایش همکاری‌های امنیتی-اقتصادی روسیه و ایران در پروژه‌های فلسطینی منجر شود. در این سناریو، ایران ممکن است نفوذ خود را از طریق شراکت با روسیه در پروژه‌های غزه حفظ یا حتی گسترش دهد، به شرطی که مسکو اجازه بازی همزمان برای ایران را بدهد.^{۴۳} بنابراین راهبرد روسیه در غزه، صرفاً موضوعی فرامنطقه‌ای نیست، بلکه می‌تواند مستقیماً بر موقعیت اقتصادی، امنیتی، مشروعیت رسانه‌ای و نفوذ منطقه‌ای ایران تأثیر بگذارد؛ تهران که به حضور محوری در مسئله فلسطین اهمیت می‌دهد، باید ضمن پیگیری رویکرد همکاری یا هماهنگی با روسیه، گزینه‌های جایگزین خود را در مواردی مانند رسانه، لجستیک تسلیحاتی و پروژه‌های محلی تقویت نماید تا در مواجهه با یک بازیگر قدرتمند مانند روسیه، نقش راهبردی خود را حفظ کند.

⁴² Fiona Hill and Kevin Huggard. (2024). What is Russia's role in the Israel-Gaza crisis.; Amr Hamzawy. (2025). Trump's Gaza Peace Plan.

⁴³ Fiona Hill and Kevin Huggard. (2024). What is Russia's role in the Israel-Gaza crisis.

جمع‌بندی

راهبرد روسیه در قبال آینده غزه، در پرتو طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ، بازتابی از تلاش این کشور برای بازتعریف جایگاه خود در نظم امنیتی خاورمیانه و ایجاد موازنه‌ای پیچیده میان بازیگران اصلی از ایران و رژیم صهیونیستی گرفته تا ایالات متحده و اتحادیه اروپا است. در حالی که مسکو به دنبال ایفای نقش میانجی و بازیگر بازسازی است، عملاً اهدافی چندلایه همچون تثبیت نفوذ ژئوپلیتیکی در مدیترانه شرقی، دسترسی به زیرساخت‌های اقتصادی غزه، و بهره‌گیری از بحران فلسطین به عنوان اهرمی برای تقویت موضع چانه‌زنی خود در برابر غرب را دنبال می‌کند. این الگو، به‌ویژه در شرایط پساجنگ اوکراین و تشدید انزوای دیپلماتیک روسیه، به ابزاری برای احیای مشروعیت بین‌المللی کرملین بدل شده است. از منظر راهبردی، تعامل روسیه با موضوع غزه نه صرفاً یک سیاست منطقه‌ای، بلکه بخشی از معادله بزرگ‌تر چندقطبی‌سازی کنترل‌شده است که هدف آن کاستن از تسلط غرب بر ترتیبات امنیتی خاورمیانه است. در این چارچوب، کرملین می‌کوشد تا ضمن بهره‌برداری از فرصت‌های ایجادشده در پی طرح ترامپ، نقش خود را به عنوان بازیگری بی‌طرف اما مؤثر در بحران فلسطین تثبیت کند. با این حال، افزایش وزن روسیه در این پرونده به‌طور طبیعی موجب نگرانی ایران می‌شود، چرا که هرگونه مشارکت فعال مسکو در بازسازی یا نظارت امنیتی غزه می‌تواند به محدودسازی دامنه نفوذ ایران در محور مقاومت و میدان‌های پیرامونی آن منجر شود. به‌طور کلی، آینده تعامل روسیه و ایران در غزه بستگی به توان دو کشور در تعریف منافع مکمل به‌جای منافع متقاطع دارد. اگر مسکو و تهران بتوانند سازوکاری برای تقسیم حوزه‌های نفوذ، هم‌افزایی اقتصادی و روایت‌سازی مشترک در بحران فلسطین ایجاد کنند، احتمال شکل‌گیری یک محور پایدار ضد غربی افزایش می‌یابد. اما در صورت فقدان هماهنگی راهبردی، رقابت درون‌محوری میان دو بازیگر، نه تنها موجب تضعیف محور مقاومت خواهد شد، بلکه فضای مانور غرب و رژیم صهیونیستی در مدیریت آینده غزه را نیز گسترش می‌دهد.